

حقابہ ہلمند و پیشینہ آن



محسن خلیلی *

صدیقہ ہاشمی **

khalilim@um.ac.ir

* استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

** دانش آموخته روابط بین الملل دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ تصویب: ۹۵/۸/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۸

فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، صص ۶۱-۳۱



چکیده

رودخانه‌های مرزی، ظرفیت تبدیل به اختلاف و کشمکش در میان کشورها را دارا هستند. هلمند سرچشمه گرفته از افغانستان، پس از عبور از مرز، به هامون ایران می‌ریزد. از زمان تعیین مرزهای افغانستان و ایران، تقسیم آب هیرمند مسئله‌ساز بوده است. حکمیت‌های چندگانه نتوانست اختلافات را حل نماید. در معاهده ۱۳۵۱، افغانستان موظف شد ۲۶ متر مکعب در ثانیه، آب به ایران بدهد و از هرگونه اقدامی که موجب قطع حقابه ایران شود، خودداری کند. اما، هنوز اختلاف بر سر نحوه تقسیم آب، باقی است. دلایل تداوم اختلافات بر سر بهره‌برداری از آب هیرمند، علی‌رغم وجود توافق‌نامه‌های رسمی، پریش اصلی است. مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، جغرافیایی و عناصر منطقه‌ای و بین‌المللی، عمدتاً غیرارادی در تداوم مسئله دخیل است. روش پژوهش، آمیزه‌ای از پژوهش تاریخی، اسنادی و میدانی است.

واژه‌های کلیدی: ایران، افغانستان، هلمند، معاهده‌های تقسیم آب

مقدمه

آب به عنوان مایه حیات، خصلت تنش‌زا دارد. حجم بسیار کمی از آب کره زمین قابل بهره‌برداری است (ولایتی، ۱۳۸۳: ۱۱). رشد جمعیت و توسعه اقتصادی باعث فشار بر منابع آب شیرین شده و نگرانی‌هایی را پدید آورده است (OECD, 2005). گزارش توسعه جهانی آب نشان می‌دهد تا سال ۲۰۳۰، نزدیک نیمی از جمعیت جهان در مناطقی زندگی خواهند کرد که با کمبود آب مواجهند و جمعیت متأثر از کمبود آب در جهان، در طی سه دهه از ۸ درصد به ۴۷ درصد می‌رسد (Population institute, 2010: 1) و تا سال ۲۰۲۵، دوسوم از جمعیت جهان تحت شرایط کم‌آبی زندگی خواهند کرد (Unwater, 2007: 10-12). برخی از کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که جنگ‌های آینده بر سر آب خواهد بود نه نفت (پاپلی یزدی و وثوقی، ۱۳۹۰: ۱۴) و در ده نقطه جهان احتمال جنگ بر سر نقصان آب‌های مشترک و توزیع ناعادلانه آنها وجود دارد (فغانی، ۱۳۷۹: ۴).

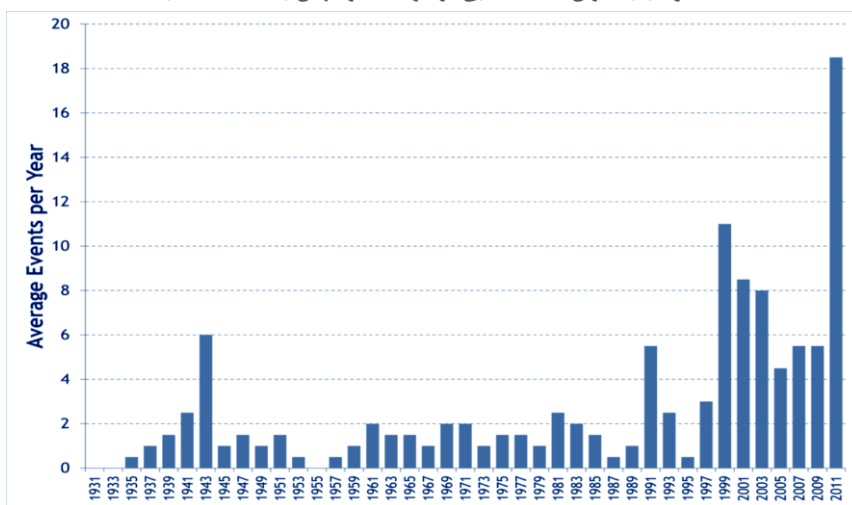
جدول (۱): درصد وابستگی برخی کشورها به آب‌های برون مرزی، سال ۲۰۱۴

کشور	درصد وابستگی	کشور	درصد وابستگی
کویت	۱۰۰	هند	۳۰/۵۲
ترکمنستان	۹۷	افغانستان	۲۸/۷۲
مصر	۹۶/۹۱	اردن	۲۷/۲۱
بحرین	۹۶/۵۵	نیجریه	۲۲/۷۸
موریتانی	۹۶/۴۹	مکزیک	۱۱/۵۳
پاکستان	۷۷/۷۱	ایران	۶/۷۷
کامبوج	۷۴/۶۷	ایتالیا	۴/۶۰
سوریه	۷۲/۳۶	ترکیه	۱/۵۲
اوکراین	۵۷/۶۸	عمان	۰
پرتغال	۵۰/۹۰	یمن	۰

Source: FAO AQUASTAT

رودها می‌توانند سرچشمه دعواها و اختلافات گوناگون باشند (عزتی، خضری، نیک‌فرجام، ۱۳۹۰: ۹۸). در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، کشمکش بر سر آب در مناطق در حال توسعه جهان گزارش شده است؛ به‌ویژه در خاورمیانه، آفریقا و آسیا و امریکای لاتین. به‌عنوان نمونه، حمله نظامیان پاکستانی به سیستم‌های آب و سدها در منطقه ولاریک و انفجار مواد منفجره در سد ناتمام ولار، تنش میان مصر، اتیوپی و سودان بر سر سد اتیوپیایی در دست ساخت، اختلاف بر سر دسترسی و مدیریت آب میان تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان و نیز درگیری بین مالی و بورکینافاسو، مالی و موریتانی، کنیا و اوگاندا و کنیا و سومالی (Gleick, Heberger, 2011: 159-171).

جدول (۲): میزان مناقشات آبی در هر سال در جهان (۱۹۳۱-۲۰۱۲)



The World's Water, vol 8

در بعضی مناطق جهان مانند خاورمیانه و آسیای مرکزی و جنوبی، خشونت‌های آبی سیر افزایشی خواهد داشت (Gleick, 1992: 80). مناطقی از جهان که ریسک بالاتری برای ناامنی و تضاد در ده-بیست سال آینده دارند، عبارتند از: ساحل و صحرا، گنگ و براهماپوترا در نپال، بنگلادش و شمال شرقی هند، نیل، ساحل مدیترانه، شبه جزیره عربستان و یمن (smith, 2007: 26). ایران دارنده ۱۷ رودخانه مشترک با کشورهای همجوار (نامی و محمدپور، ۱۳۹۰: ۹۱) است. یکی از

طولانی‌ترین مناقشات مرزی آبی، رود هلمند است. معاهده ۱۳۵۱ نیز نتوانسته است اختلافات را حل نماید. پژوهش پیش‌رو، به ماهیت اختلافات دو کشور می‌پردازد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه دلایل و زمینه‌هایی باعث شده است که اختلافات دو کشور بر سر بهره‌برداری از هیرمند همچنان ادامه یابد. پاسخ این است که ریشه‌ها و دلایل به‌درازا کشیده شدن، غیرارادی، ساختاری، محیطی، تاریخی و مرتبط به گذشته و خارج از توان دو کشور برای ایجاد تغییرات بوده است. عمده نوشتارهای موجود، به ذکر پیشینه اختلافات دو دولت پرداخته‌اند؛ فخاری (۱۳۷۱)، سالور (۱۳۸۱)، ملکی (۱۳۸۳)، مجتهدزاده (۱۳۷۴)، حافظ‌نیا، مجتهدزاده و علیزاده (۱۳۸۵) و مجتهدزاده (۱۳۷۸). امامی (۱۳۸۱)، نامی و محمدپور (۱۳۹۰)، اطاعت و ورزش (۱۳۹۱) و احمدی (۱۳۸۳)، از منظر جغرافیایی به موضوع نگریسته‌اند Ettehad (2010) و Han-woo (2011) نیز به تأثیر این مسئله بر روابط دو کشور می‌پردازند. پژوهش حاضر، ضمن بررسی تاریخ اختلافات دو کشور بر سر هیرمند، به ریشه‌های آغاز و تداوم این مسئله می‌پردازد. مبنای نظری: هم‌اکنون ۲۶۳ حوضه بین‌المللی در جهان وجود دارد که شصت درصد از آب شیرین را تولید می‌کنند (Giordano, 2003: 112)، نیمی از سطح زمین را پوشانده‌اند و حدود چهل درصد جمعیت را تحت تأثیر دارند (wolf, 1998: 251). رود بین‌المللی سه مشخصه دارد: از خاک دو یا چند کشور عبور کند، دو یا چند کشور را از یکدیگر جدا سازد، اهمیت اقتصادی داشته باشد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۷۲). رودخانه‌های بین‌المللی دو نوعند: رودخانه‌هایی که قلمرو دو یا چند کشور را از هم جدا می‌سازند یا رودخانه‌های همجوار یا مرزی؛ رودخانه‌هایی که از قلمرو دو یا چند کشور می‌گذرند یا رودخانه‌های پیاپی یا متوالی (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۶: ۳۷۵). در خصوص نحوه بهره‌برداری از رودخانه‌های مرزی، چهار دکتترین وجود دارد: الف) دکتترین حاکمیت سرزمینی مطلق یا دکتترین هارمون: آن قسمت از رودهای بین‌المللی که در سرزمین هر کشور جریان دارد، جزو آب‌های داخلی آن کشور است و هر کشور می‌تواند از این منبع به هر صورتی که ضروری می‌داند، بدون در نظر گرفتن پیامدهای آن بر دیگر کشورها استفاده کند. ب) دکتترین



تمامیت ارضی مطلق: کشورهای ساحلی رودخانه‌ها نمی‌توانند تغییرات جدی در وضع طبیعی کشور خود ایجاد کنند، به طوری که سبب تغییرات منفی مهم در کشورهای پایین دست شود. (ج) دکترین استفاده مشترک کشورهای ساحلی از منابع آبی: رودخانه بین‌المللی به عنوان واحدی اقتصادی است که منابع آن متعلق به تمام کشورهای ساحلی است و حق حاکمیت مشترک بر رود دارند. (ج) دکترین تمامیت ارضی یا حاکمیت سرزمینی محدودشده: هر کشور ساحلی، حق استفاده از رود در کشور خودش را دارد، به شرطی که این استفاده سبب وارد آمدن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت‌ها و کشورهای دیگر نشود. پایه قوانین مدرن بین‌المللی آب را دکترین چهارم تشکیل داده است (میان‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۸۱ و ۱۸۲) که البته مبنای داوری در اختلافات نیز قرار گرفته است؛ از جمله در اختلاف بین افغانستان و ایران در خصوص هلمند. در سال ۱۸۷۲، رأی حل و فصل اختلاف مرزی چین بود که «این مطلب باید به خوبی درک شود که هیچ‌کاری در هر طرف رودخانه نباید انجام پذیرد که با تهیه آب لازم برای کشاورزی در سواحل رودخانه هلمند تزامم و مداخله به حساب آید» (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۴۹).

علی‌رغم وجود پیمان‌های آبی میان کشورها، هنوز تنش‌ها در برخی نقاط ادامه دارد که برخی از دلایل آن عبارتند از: الف) هیدرولوژیک: ناپایداری جریان‌ات آب از دلایل اصلی شکست معاهدات آب است. توافقات آبی آن قدر انعطاف‌پذیر نیستند تا خود را با تغییرات هیدرولوژیک، سازگار کنند. ب) تغییر اقلیم: سیل و خشکسالی می‌توانند بر دسترسی به آب، زمان‌بندی، کیفیت و تقاضا، اثرات ویران‌کننده داشته باشد. (ج) فقدان توافق همه‌جانبه در تعریف واحد از قانون بین‌المللی آب: تلاش‌ها موفقیت‌آمیز نبوده است و هر کشور به قوانینی تمسک می‌جوید که به بهترین شکل ادعای او را حمایت کند. د) آب‌هام در قوانین بین‌المللی آب: وجود آب‌هامات در قوانین بین‌المللی آب مشکل‌ساز است؛ مثلاً استفاده کشورها از منبع مشترک نباید «ضرر معنادار» به کشورهای ساحلی بزند. «ضرر معنادار» آب‌هام دارد. ه) هیدروژمونی: عدم موازنه قدرت میان کشورهای بهره‌بردار ممکن است سیاسی، نظامی، اقتصادی و... باشد و از همکاری کشورهای

ساحلی جلوگیری کند. و) مدیریت غیرمنسجم آبی: بهره‌برداری معقول را کاهش می‌دهد. فقدان اعتماد بین کشورهای ساحلی، تبادل اطلاعات به صورت محدود و ملاحظات امنیتی و سیاسی، از مسائلی است که در حوضه‌های فرامرزی وجود دارد (Mianabadi, Mostert and Van de Giesen, 2015: 136- 140).

۱. ویژگی‌های جغرافیایی رود هیرمند

قدیمی‌ترین سندی که در آن از رود یاد شده است، نوشته بسیار کهن زرتشتیان است. در اوستا این رود به نام تومانت یاد شده است. جغرافیایانویسان اسلامی این رود را هزارشاخه نامیده‌اند. جغرافیانگاران ایرانی آن را هیرمند خوانده‌اند و مردم افغانستان آن را با نام هلمند می‌شناسند (بختانی خدمتگار، ۱۳۹۰: ۷۶). پهنه حوضه آبریز هلمند ۳۷۰ هزار کیلومتر مربع است که بخش عظیمی از آن در خاک افغانستان واقع شده است (نامی و محمدپور، ۱۳۹۰: ۹۶). پهنای هلمند را از ۲۰۰ تا ۶۰۰ و ژرفایش را از ۲ تا ۵ متر آورده‌اند. میزان دبی این حوضه آبریز در ابتدای حوضه در خاک افغانستان ۱۱۶۰۰ میلیون کیلومتر مکعب تخمین زده شده است. نیمی از این حجم قبل از رسیدن به مرز دو کشور در خاک افغانستان با استفاده از سد مخزنی ارغنداب با ظرفیت ۴۸۰ میلیون مترمکعب و سد کجکی با ظرفیت ۱۸۰۰ میلیون مترمکعب کنترل و مورد استفاده قرار می‌گیرد (نامی و محمدپور، ۱۳۹۰: ۹۶). هلمند، با طول ۱۴۰۰ کیلومتر از ارتفاع ۳۸۰۰ متری غرب کوه پغمان در ۶۰ کیلومتری باختر کابل سرچشمه می‌گیرد (پاپلی یزدی و جلالی، ۱۳۷۴: ۱۰۹ و ۱۱۰) و پس از دریافت رودخانه‌های زیادی از جمله موسی قلعه و ارغنداب، از طریق دشت مارگو (پس از طی مسافت ۱۰۵۰ کیلومتر) به مرز افغانستان و ایران وارد می‌شود (جعفری، ۱۳۷۹: ۴۸۳). رودخانه منطقه وسیعی از بامیان تا نیمروز، یعنی ۴۳ درصد زمین‌های کشور را آبیاری می‌کند. در منطقه دلتای رودخانه، میانه شاخه اصلی رود به‌عنوان مرز میان ایران و افغانستان شناخته شده است (Transboundary water issues, 2007: 4).

تصویر ۱- ویژگی های جغرافیایی رود هیرمند

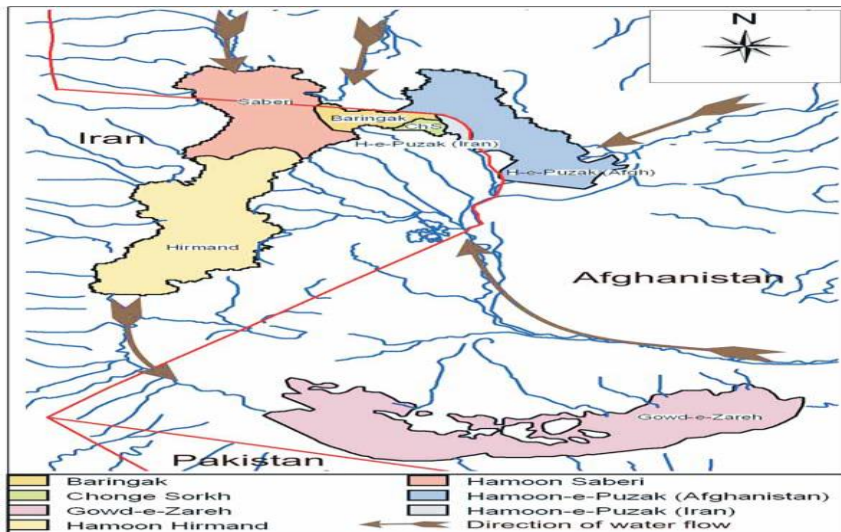


Source: https://en.wikipedia.org/wiki/Helmand_River

این رود از شرق زابل وارد جلگه سیستان می‌شود. طول بخش مرزی رود ۵۵ کیلومتر است. بخش پایین دست هیرمند که تشکیل دهنده دلتای رود در سیستان است، ۱۸۲۰۰ کیلومترمربع وسعت دارد که ۴۰ درصد آن در خاک ایران است (حافظنیا، مجتهدزاده و علیزاده، ۱۳۸۵: ۶). در صورت وجود آب کافی، دریاچه‌های سه‌گانه هامون تشکیل می‌شوند؛ هامون پوزک در افغانستان، هامون صابری که ۵۹ درصد آن در ایران است و هامون هیرمند که در ایران است. این دریاچه‌ها یکی از منابع اصلی آب شیرین منطقه و یکی از با ارزش‌ترین اکوسیستم‌های آبی در ایران هستند (Ettehad, 2010: 25). در منطقه دلتا، رود به شاخه‌های متعدد تقسیم می‌شود. جهت جریان هیرمند بعد از بند کمال‌خان در ناحیه دلتا به سمت شمال است که در بند کوهک به دو شاخه پریان مشترک (با دبی متوسط ۲۵۰۰-۳۰۰۰ میلیون مترمکعب در سال) و سیستان (با دبی متوسط ۲۱۰۰ میلیون مترمکعب در سال) تقسیم می‌شود (حافظنیا، مجتهدزاده و علیزاده، ۱۳۸۵: ۶). رشته شرقی رود که در افغانستان به نام رود مشترک و در ایران

به پریان مشترک معروف است، در گذشته به هامون می‌ریخته است ولی امروزه پس از انحراف از مسیر اصلی، ادامه هیرمند در پریان جریان نیافته بلکه به سمت افغانستان برگشته و چخانسور را آبیاری می‌کند. رود سیستان نیز در جهت شمال غربی به سمت دریاچه‌های واقع در ایران جریان می‌یابد (فخاری، ۱۳۷۱: ۳۵-۳۶). رژیم هیدرولوژیک هیرمند به دلیل ویژگی‌های محیطی (توپوگرافی هموار، شیب کم، جهت و شدت وزش باد) سیلابی و متغیر بوده و دائما تغییر مسیر می‌دهد (مکرری و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۱).

تصویر ۲- رژیم هیدرولوژیک هیرمند



Source: UNEP post conflict branch, 2006

بارش در ناحیه دلتا بسیار کم است و تبخیر بالا و آب مورد نیاز آن تماما از هیرمند تأمین می‌شود. هیرمند دارای رژیم آبدهی متغیر در طول سال است؛ به گونه‌ای که ۸۴ درصد جریان آب رود مربوط به بهمن تا خرداد است. میزان آبدهی رود در سال‌های مختلف به شدت تغییر می‌یابد (حافظ‌نیا، مجتهدزاده و علیزاده، ۱۳۸۵: ۶). وزش بادهای ۱۲۰ روزه باعث جابجایی ریگ‌ها و ماسه‌های اطراف رود و عامل اساسی تغییرات بستر آن است و همین عامل سبب شده دلتای دائما متغیری به وجود آید (بختانی خدمتگار، ۱۳۹۰: ۸۰). طبق گزارش UNEP، ۸۹ درصد حوضه هلمند در

افغانستان، ۹ درصد در ایران و فقط ۲ درصد در پاکستان قرارداد (UNEP, 2006: 12). آب‌های هلمند برای آبیاری در قندهار، هلمند و نیمروز افغانستان و سیستان و بلوچستان ایران مورد استفاده است (Aman and Slavin, 2013: 4).

جدول (۳): تراکم جمعیت در حوضه هلمند در دو کشور

کشور	جمعیت ساکن در حوضه	تراکم جمعیت در حوضه (در هر کیلومترمربع)	مساحت حوضه در کشور (کیلومترمربع)
افغانستان	۵۸۰۰۰۰۰	۲۰	۲۸۸۰۰۰
ایران	۱۰۵۰۰۰۰	۱۹	۵۴۹۰۰

Source: International Journal of Central Asian Studies Volume 15. 2011

۲. مروری بر قراردادهای حکمیت‌ها

مسئله حقابه رود هیرمند که از سال ۱۸۷۲، یکی از منابع پایدار مشاجره بین افغانستان و ایران بوده است، تا سال ۱۳۸۳، دوازده بار باعث بروز بحران دیپلماتیک بین دو کشور شده و ۲۷ بار مذاکره دوجانبه و مستقیم و یا پذیرش حکمیت برای حل و فصل آن صورت پذیرفته است (کاویانی‌راد، ۱۳۸۴: ۳۴۷). آغاز اختلافات دو کشور را می‌توان از زمان جدایی دو کشور براساس معاهده پاریس دانست. به موجب بند ۶ معاهده پاریس، منعقد در ۱۴ اسفند ۱۲۳۵، طرفین توافق کردند که در صورت بروز اختلافات، حکمیت انگلستان را بپذیرند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۲ اسفند). اولین میانجی‌گری، حکمیت گلداسمید انگلیسی در سال ۱۲۵۱ (۱۸۷۲) بود. گلداسمید، افسر حکمیت مرزی انگلیسی که مأمور تعیین سرحدات بلوچستان بود، مرز میان ایران و افغانستان را در سیستان روی شاخه اصلی رود هیرمند، در دلتا قرارداد؛ بی‌آنکه در مورد چگونگی تقسیم آب و حقوق دو همسایه تصمیم بگیرد (مجتهدزاده، ۱۳۷۴: ۳۵). پس از حکمیت گلداسمید، خط سرحدی به‌طور کامل علامت‌گذاری نشد و تغییر مجرای هیرمند، اراضی واقع در فاصله بین مجرای قدیم و مجرای جدید، کم‌آبی و خشکسالی اختلاف تازه‌ای را بین ایران و افغانستان پدید آورد و طرفین مجدداً موضوع را به حکمیت انگلیس ارجاع دادند (فخاری، ۱۳۷۱: ۴۱). دومین حکمیت، توسط مک‌ماهون در سال ۱۹۰۳ (۱۲۸۲)

انجام پذیرفت. مک‌ماهون پس از تکمیل داوری مرزی خود در نوامبر ۱۹۰۳، با ایجاد تغییرات جزئی در خط مرزی تعیین‌شده از سوی گلداسمید آن را به‌عنوان مرز بین دو کشور تعیین نمود (حافظ‌نیا، مجتهدزاده و علیزاده، ۱۳۸۵: ۸). این رأی مورد اعتراض ایران واقع شد و ایران حقایق تعیین‌شده را نپذیرفت. سفارت بریتانیا در جواب یادداشت ۳ سرطان ۱۳۲۶ وزارت خارجه افغانستان توضیح داد که گرچه ایران حکمیت مک‌ماهون را قبول نکرده، اما چون به وزیر امور خارجه بریتانیا هیچ‌گونه استیناف رسمی تقدیم ننموده است، در حکمیت هیچ تعدیلات وارد نشده و اقدام مزید از طرف دولت بریتانیا موردی نداشت و وضعیت قضیه هم آن را ایجاب نمود (وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان، ۱۳۵۲: ۱۲).

با انعقاد عهدنامه مودت و عهدنامه ودادیه و تأمینیه میان دولتین پس از سال ۱۳۰۰ و با گسترش روابط دوستانه میان دولت‌های مرکزی نادرشاه و پس از آن ظاهرشاه در افغانستان و دولت رضاشاه در ایران، در دی‌ماه ۱۳۱۰، کمیسیون مشترکی از نمایندگان دو دولت در بند کوهک ایران تشکیل شد و طی آن دو طرف پیشنهاد تنصیف آب را پذیرفتند؛ اما در مورد مکان تقسیم آب به توافق نرسیدند (حافظ‌نیا، مجتهدزاده و علیزاده، ۱۳۸۵: ۹). سپس، در پروتکل شهریور ۱۳۱۵، هیئت‌های طرفین موافقت نمودند هر مقدار آب رودخانه هلمند که به بند کمال‌خان برسد، از بند کمال‌خان تا لخشک بالمناصفه بین رعایای چخان‌سور افغانی و رعایای سیستان ایرانی تقسیم شود و هر یک از طرفین حق دارند که سهم خود را در خاک خود در هر کجا که مورد احتیاج باشد ببرند. در مهرماه ۱۳۱۶، نمایندگان هر دو کشور در بند کهک حاضر شدند و پس از اندازه‌گرفتن مقدار آب رودهای طرفین و تعیین میزان آب، مناصفه آب از بند کمال‌خان تا لخشک مطابق پروتکل شهریور ۱۳۱۵، توافق نظر حاصل کردند (وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان، ۱۳۵۲: ۱۳). شرایط به‌وجود آمده به‌دنبال تفاهم‌های منطقه‌ای زمینه را برای دستیابی به توافق دائمی بین ایران و افغانستان بر سر تقسیم آب هیرمند فراهم نمود. در سال ۱۳۱۷ (۱۹۳۹) مذاکرات دوطرف منجر به امضای پیمانی میان باقر کاظمی، سفیر ایران در کابل و علی‌محمدخان وزیر امور خارجه افغانستان شد.



اصل قرارداد در مجلسین دو کشور تصویب شد اما اعلامیه منضم به قرارداد در مجلس افغانستان تصویب نگردید و افغانستان اعلام داشت که آنچه در اعلامیه انضمامی آمده است، همان مواد ۱ و ۲ و ۸ قرارداد بوده و نیازی به تکرار آنها نیست. از آن سو ایران عقیده داشت بدون اعلامیه انضمامی، قرارداد به تنهایی کمکی به حل مشکل نخواهد کرد (فخاری، ۱۳۷۱: ۴۹). در سال ۱۳۲۶ ایران تصمیم گرفت موضوع را به شورای امنیت ارجاع دهد. با توجه به اوضاع سیاسی آن روز جهان و رقابت شوروی و آمریکا و نیز به علت اینکه این مسئله براساس ماده ۳۳ منشور مسئله‌ای نبود که صلح و امنیت جهانی را به خطر انداخته باشد، آمریکا، ایران را از طرح مسئله تقسیم آب هیرمند در شورای امنیت منصرف و پیشنهاد تشکیل کمیسیون بی طرف برای حل این مسئله را عنوان کرد که مورد توافق دو کشور قرار گرفت. کمیسیون دلتا در سال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷) تشکیل شد. داوری این گروه فقط به دلتای هیرمند (سیستان و چخانسور) محدود می شد. کمیسیون دلتا ۲۲ مترمکعب آب در ثانیه را به حیث حقبه ایران از دلتای هیرمند در یک سال نرمال (منظور سالی است که مجموع جریان آب از اول اکتبر تا خاتمه سپتامبر سال دیگر در موضع آب شناسی دهرآود بر روی هیرمند بالاتراز مدخل کجکی اندازه گیری و محاسبه شده است) تعیین نمود. همچنین کمیسیون، احداث نهر سراج، نهر بغرا، بند ارغنداب و کجکی را که توسط افغانستان ایجاد شده و پیوسته مورد اعتراض دولت ایران بوده است، به ضرر ایران ندانسته و آن را تأیید نمود (فخاری، ۱۳۷۱: ۴۹). این حکمیت مورد قبول ایران واقع نشد؛ زیرا ایران سهم نصف از آب هیرمند را خواهان بود و معتقد بود که سهم ایران از آب های اضافی که بر اثر طغیان رودخانه در بندهای ارغنداب و کجکی در قندهار جمع می شوند نیز باید در نظر گرفته شود (سایت farda.org، زمر: ۱۹). مذاکرات و مکاتبات طرفین از ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۱ ادامه یافت. در خرداد ۱۳۵۰ دولت افغانستان از ایران دعوت نمود تا هیئتی جهت مشاهده کمبود آب هیرمند و اقدامات فوری که باید انجام شود، به آن کشور اعزام نماید. مذاکرات طرفین تا بهمن ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) ادامه یافت و سرانجام به تهیه و تنظیم یک معاهده درخصوص آب هیرمند و دو

پروتکل، یکی درخصوص وظایف کمیسیون آب و دیگری ناظر به حل اختلاف از طریق حکمیت، توافق شد (فخاری، ۱۳۷۱: ۷۱). براساس این معاهده که میان شفیق، صدراعظم افغانستان و هویدا نخست‌وزیر ایران در کابل به امضا رسید، مقدار آبی که از رود هیرمند در سال طبیعی و پرآبی از طرف افغانستان به ایران تحویل داده می‌شد، به‌طور متوسط ۲۲ متر مکعب در ثانیه طبق نظر کمیسیون بی‌طرف هیرمند و یک مقدار اضافه به میزان ۴ متر مکعب در ثانیه بود که این میزان در سال‌های کم‌آبی کاهش می‌یافت و دولت ایران نمی‌توانست بر بیشتر از این میزان حتی در صورت وجود میزان بیشتری از آب در دلتای هیرمند، ادعا داشته باشد (حافظ‌نیا، مجتهدزاده و علیزاده، ۱۳۸۵: ۱۶). این حجم آب معادل ۸۲۰/۰۰۰/۰۰۰ مترمکعب در سال است (اطاعت و ورزش، ۱۳۹۱: ۲۰۵).

از سال ۱۳۵۱ تاکنون، این معاهده مورد پذیرش و استناد دوطرف بوده و قرارداد جدیدی در رابطه با بهره‌برداری از هلمند میان دو کشور صورت نبسته است. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)، موضوع طرح‌های مشترک به‌فراموشی سپرده شد. آشفتگی اوضاع داخلی افغانستان با حمله شوروی و سپس وقوع جنگ‌های داخلی در این کشور، مانع از انجام هرگونه کنترلی از سوی افغانستان بر جریان آب هیرمند شد. در سال ۱۳۷۵، گروه طالبان با تصرف کابل و به‌کنترل درآوردن بخش‌های وسیعی از افغانستان به‌قدرت رسید. در زمان حکومت طالبان در افغانستان، خشکسالی شدیدی در بخش‌های وسیعی از آسیای مرکزی، ایران، افغانستان و پاکستان رخ داد که به‌مدت چهار سال دوام داشت (حافظ‌نیا، مجتهدزاده و علیزاده، ۱۳۸۵: ۱۸). کاهش بارندگی در قسمت علیای رودخانه و تضاد در دیدگاه‌های سیاسی گروه‌های حاکم در دو کشور، زمینه را برای قطع کامل آب هیرمند و تحت فشار قراردادن ایران فراهم نمود و برای اولین بار جریان آب هیرمند با بستن دریچه‌های سدهای مخزنی ارغنداب و کجکی بر روی ایران بسته شد. با برچیده شدن حکومت طالبان در اسفندماه ۱۳۸۰، کرزای رئیس دولت موقت افغانستان، به ایران سفرکرد و با مقامات ایران دیدار نمود. در این سفر دو کشور سند همکاری امضا

کردند که در بند سیزدهم آن طرفین بر اجرای معاهده ۱۳۵۱ برای تقسیم آب هیرمند تأکید کردند.

جدول (۴): قراردادهای ایران و افغانستان در رابطه با حقا به هیرمند

نام معاهده	سال انعقاد قرارداد	مکان امضای قرارداد	کشور میانجی‌گر	اهم توافقی‌ها	علت نیاز به توافق جدید
حکمت گلداسمید	۱۲۵۱ (۱۸۷۲)	تهران	انگلستان	تعیین مرز میان افغانستان و ایران بر روی شاخه اصلی رود هلمند	عدم تصمیم‌گیری در مورد چگونگی تقسیم آب، تغییر مجرای هلمند، خشکسالی
حکمت مک‌ماهون	۱۲۸۴ (۱۹۰۵)	اردوگاه کوهک	انگلستان	تعیین مرز جدید میان دو کشور با ایجاد تغییرات جزئی در مرز قبلی، تعیین ثلث آب هلمند به عنوان حقا به ایران و دوسوم حقا به افغانستان	اعتراض ایران به میزان حقا به تعیین شده و تعمیر انهار قدیمی و حفر انهار جدید توسط افغانستان
پروتکل موقت ۱۳۱۵	۱۳۱۵ (۱۹۳۷)	*	*	تقسیم آب هلمند از بند کمال‌خان تا خشک به مدت یک‌سال به طور نصف‌نصف	موقتی بودن قرارداد
قرارداد ۱۳۱۷	۱۳۱۷ (۱۹۳۹)	کابل	*	تقسیم بالمناصفه آب رسیده به بند کمال‌خان	اختلاف دو کشور بر سر اعلامیه منضم به قرارداد و عدم تصویب آن از سوی مجلس نمایندگان افغانستان
کمیسیون دلتا	۱۳۳۰ (۱۹۵۱)	واشینگتن	امریکا	تعیین ۲۲ متر مکعب آب در ثانیه به حیا حقا به ایران از دلتا	اعتراض ایران به حقا به تعیین شده و اعتراض به مجاز شمردن احداث نهر برای افغانستان
قرارداد دائمی ۱۳۵۱	۱۳۵۱ (۱۹۷۲)	کابل	*	تعیین ۲۶ متر مکعب آب در ثانیه به عنوان حقا به ایران در سال طبیعی و پربابی	*

منبع: نویسندگان

۳. تعریف و ریشه اختلافات کشورها در عرصه بین‌المللی

مسئله بروز اختلاف میان تابعان حقوق بین‌الملل، مخصوصاً کشورها، امری اجتناب‌ناپذیر و حل آن به طرق غیرمسالمت‌آمیز مردود است. دیوان دادگستری بین‌المللی، اختلافات بین‌المللی را تعریف کرده است: «عدم توافق بر سر یک



موضوع حقوقی و یا یک واقعیت و همچنین اختلاف نظر حقوقی و یا تعارض منافع میان طرفین آن (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۵۰۱ و ۵۰۲). اصطلاح اختلاف در حقوق بین‌الملل دارای مفهوم دقیقی نیست و تعریفی که دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه ماوروماتیس فلسطین (یونان علیه انگلیس ۱۹۲۴) از اختلاف ارائه نموده است (بلدسو، ۱۳۷۵: ۴۴۹) خالی از اشکال نیست. اختلافات بین‌المللی از حیث ماهیت دو دسته‌اند: حقوقی و سیاسی. اختلافات حقوقی به اختلافات مربوط به حق موجود و یا مسایل مربوط به تفسیر و اجرای آن گفته می‌شود. حل اینگونه اختلافات براساس قواعد حقوقی صورت می‌گیرد؛ اما اختلاف سیاسی به اختلافی اطلاق می‌شود که در آن یکی از طرفین دعوی، خواهان تغییر و یا اصلاح وضع موجود است. اینگونه اختلافات که مبتنی بر تعارض منافع دو یا چند کشور است، تنها از طریق شیوه‌های سیاسی حل و فصل اختلافات یعنی، مذاکره، سازش، میانجی‌گری و... قابل حل و فصل است (موسی‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۶۰). هریک از تعارضات بین‌المللی، همزمان، سیاسی و حقوقی است و تنها وزن و جبهه‌های سیاسی و حقوقی آن تغییر می‌کند (کک‌دین، دیبه و پله، ۱۳۸۲: ۱۸۰).

اختلافات موجود میان دو کشور را در ارتباط با هلمند از ابتدا تاکنون می‌توان

چنین خلاصه نمود:

الف) اختلافات مکانی: رودخانه‌ها عاملی طبیعی و قابل تغییر هستند و در موارد زیادی مسیر خود را ناگهان تغییر می‌دهند که در صورت استفاده از آن‌ها به‌عنوان مرز، مشکلات زیادی به‌وجود خواهد آمد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۹۴). پرسکات از جغرافی دانان سیاسی محسوب می‌شود که به‌طور میسوط، اختلافات مرزی را مورد توجه قرار داده است. براساس نظر وی اختلافات مرزی را می‌توان به چهار دسته مکانی، ارضی، عملکردی و اختلافات ناشی از وجود یک منبع مشترک اقتصادی در مرز تقسیم کرد. اختلافات مکانی به اختلافات ایجادشده بر سر مکان دقیق مرز گفته می‌شود که ممکن است بر اثر تفسیرهای گوناگون و بعضاً متضاد از اسناد قانونی یا تغییر مکان مرز طبیعی حاصل شوند. بخشی از اختلاف ایران و افغانستان بر سر هیرمند از نوع دوم است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۱۴). ویژگی انشعابی

بودن الگوی شریانی بستر رود هیرمند و چندشاخه‌بودن آن باعث شده که رودخانه، علاوه بر تغییرات جانبی، به زیرشاخه‌های متعددی تقسیم شود و این امر، تعیین دقیق مرز رود را با مشکلاتی جدی روبرو می‌کند. شریانی بودن مورفولوژی، چند شاخه بودن، موانع طولی در میانه بستر رودخانه و عوامل کنترل‌کننده تغییراتی همچون دبی تشنجی، وزش بادهای ۱۲۰ روزه و آبرفت‌های ضخیم لایه فرسایش‌پذیر موجب جابجایی در کناره‌های بستر در کوتاه‌مدت و ناگهانی شدن تغییر مسیر رودخانه مرزی شده است (بدیعی ارندهای، رحیمی هرآبادی و گودرزی، ۱۳۹۰: ۲۱۵ و ۲۱۶).

ب) اختلاف دیدگاه‌های رهبران سیاسی درمورد داخلی یا بین‌المللی بودن رود هلمند: مقامات افغانستان هلمند را یک رود داخلی می‌دانستند، ولی ایران آن را یک رودخانه بین‌المللی برشمرد و در نتیجه خواهان اجرای احکام رودخانه‌های بین‌المللی در بهره‌برداری از رود بوده است. یادداشت ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۴ مک‌ماهون، اشاره دارد که «دولت افغانستان نمی‌پذیرد که اختلافی روی مسئله آب وجود دارد؛ زیرا موقعیت جغرافیایی‌شان آنان را تنها صاحبان سراسر هیرمند واقع در بالای بند سیستان می‌سازد» (مجتهدزاده، ۱۳۷۴: ۳۵).

ج) اختلاف در میزان حقبه معین شده برای دو کشور: سهم تعیین‌شده از آب هلمند همواره محل مناقشه دو کشور بوده است. دولتین سهمیه تعیین‌شده در قراردادهای منعقدشده را عادلانه و منصفانه نمی‌دانسته‌اند و یکدیگر را به زیاده‌خواهی و قانع‌نبودن به حق خویش، متهم می‌کرده‌اند. از همین رو قراردادهای فیما بین تأثیری بر حل مشکل نداشتند. عبدالحسین مسعود انصاری، سفیر فوق‌العاده و نماینده مخصوص ایران در کابل، پس از رأی کمیسیون بی‌طرف، در خاطرات خود به مذاکرات خود با مقامات افغان و اختلاف فیما بین اشاره می‌نماید: «من به آنها گفتم که طبق رأی مک‌ماهون که مورد قبول شماست، حقبه ایران از رود هیرمند در واقع پنجاه و دو مترمکعب در ثانیه است و ما با قبول سی و پنج تا چهل مترمکعب در ثانیه از حق مشروع خودمان خیلی پایین آمده‌ایم و شما هم منصفانه با ما کنار بیایید. ولی افغان‌ها گفتند: شما میزان کشت خودتان را در

فصول مختلف سال تعیین کنید و ما تعهد می‌کنیم که آب مورد نیاز سیستان ایران را به شما برسانیم و علی‌محمدخان آن وقت، معاون اول صدراعظم افغانستان بود و من راجع به این موضوع با ایشان بحث می‌کردم و سایر افغان‌ها بیشتر به گزارش کمیسیون بی‌طرف استناد می‌کردند و می‌گفتند که طبق رأی این کمیسیون، سهم ایران از آب هیرمند، بیست و دو متر مکعب در ثانیه برای تمام فصول تعیین شد و ما چطور می‌توانیم سی و پنج تا چهل متر مکعب آب در ثانیه به شما برسانیم و اگر اینکار را نکنیم به مردم مملکت خودمان چه جوابی بدهیم... و وقتی ما به رأی کمیسیون بی‌طرف اعتراض می‌کردیم، می‌گفتند: ما طالب این کمیسیون نبودیم و شما خودتان خواستید که این کمیسیون بیاید و رأی بدهد» (سالور، ۱۳۸۱: ۵۸۲).

برخی کارشناسان افغانستانی، معاهده ۱۳۵۱ را عادلانه نمی‌دانند و بر این باورند که براساس قرارداد، به ایران حق داده شده تا حقایق خود را بر مبنای آب وارده در دستگاه آب‌شناسی دهاوود که چند صد کیلومتر بالاتر از دلتای هیرمند است، با طرف افغان، محاسبه و آن را مطالبه کند. با این قرارداد، افغانستان نمی‌تواند از یک رودخانه داخلی خود به نحو دلخواه بهره‌برداری نماید (سایت farda.org، سیستانی: ۶). در این زمینه، برخی بر این باور هستند که ماهیت اختلافات افغانستان و ایران در مورد آب هلمند برمی‌گردد به میزان حقایق ایران از رودخانه که ایران به آن راضی نیست؛ چون افزایش نفوس و گسترش زراعت و صنعت در بخش‌های شرقی ایران مزید بر تغییرات جوی، باعث کمبود آب شده ایران خواهان آن است تا حقایق هاش را که در سال عادی آبی ۸۲۰ میلیون متر مکعب است، افزایش یابد (سال نرمال آبی سالی است که دریای هلمند ۵,۶ میلیارد متر مکعب آب تولید داشته باشد). از سویی، طبق گزارش ایرانی‌ها، وضعیت تثبیت شده در معاهده غیرعادلانه بوده است و ایران خواهان انتخاب یکی از سه راه‌حل زیر است: فسخ یک‌جانبه معاهده، مراجعه به داوری، و اصلاح معاهده با در نظر داشت توانایی‌های ایران (مصاحبه با یکی از مقامات افغان در وزارت امور خارجه افغانستان). در سال‌های گذشته، صالحی، وزیر امور خارجه ایران در دیدارش از شهر مرزی هیرمند در شمال سیستان و بلوچستان، بر اخذ حقایق ایران از رود هیرمند به‌منظور

احیای مجدد دریاچه هامون تأکید کرد (خبرگزاری مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰: ۲۳ مرداد).

د) احداث سد و بند و کانال‌کشی و ساخت چاه نیمه و خاکریز: احداث سد و تأسیسات و جداکردن کانال در مسیر رودخانه نیز جزو موارد اختلافی دو کشور بوده است. یادداشت‌های محرمانه سرکنسول بریتانیا در مشهد از خشکسالی درازمدت در تابستان ۱۳۲۶ حکایت دارد: «مردم منطقه زابل اشاره کرده‌اند که از مرز، گذشته و به افغانستان وارد خواهند شد و به زور سد را خواهند شکست و آبی را که زندگی‌شان بدان بسته است رها خواهند کرد. آنان بر این باورند که افغان‌ها به شیوه غیرقانونی سهمیه آب آنان را دزدیده‌اند یا آب را از راه کانال‌ها که امریکاییان ساخته‌اند، منحرف کرده و به دیار گرشک می‌برند» (امامی، ۱۳۸۱: ۹۵).

ایران همواره به ساخت تأسیسات از جمله کانال سراج و کانال بقرا بر روی هلمند معترض بوده است؛ چراکه آن‌ها را موجب کاهش سهمیه آب ایران می‌داند. درحال حاضر سه سد مخزنی عمده بر روی رود هیرمند وجود دارد: سد کجکی که بر روی شاخه اصلی هیرمند در محل کجکی واقع در ۶۵ کیلومتری پایین‌دست دهرآوود در ابتدای ورود رود به ولایت هلمند ساخته شده و در سال ۱۳۳۲، شروع به آبیگری نموده است. سد مخزنی ارغنداب که بر روی مهم‌ترین شاخه الحاقی به رود هیرمند یعنی ارغنداب در ۲۵ کیلومتری شمال قندهار احداث شده است. سد چخان‌سور در بخش سفلای هیرمند در منطقه چخان‌سور که دولت قصد دارد به هر طریق ممکن در این منطقه احداث نماید (عزتی، خضری و نیک‌فرجام، ۱۳۹۰: ۱۰۴). افغانستان نیز در پاسخ به اعتراضات ایران اعلام کرده است که اقدامات افغانستان نقصانی در آبی که به مرز می‌رسد، ایجاد نمی‌کند (سالور، ۱۳۸۱: ۵۷۸).

کنسول‌گری افغانستان در مشهد نیز در نامه شماره ۸۷۵ مورخ ۱۲ مرداد ۱۳۹۰ به وزارت خارجه به نارضایتی ایران اشاره می‌کند و اعلام می‌کند که کارشناسان ایرانی ابراز نگرانی کرده و گفته‌اند افغانستان برخلاف پروتکل عقدشده، اقدام به اعمار بند بر هلمند نموده است و می‌بایست حق آب ایران داده شود (صدیقی، ۲۰۱۱: ۷ سپتامبر). افغانستان نیز معتقد است که ایران در دوره جنگ‌های داخلی

کشور، آب بیشتری از رود هیرمند گرفته و نیز چند کانال از هیرمند منشعب کرده است. در حالیکه مطابق معاهده ۱۹۷۲، ایرانی‌ها حق داشتند فقط دو کانال انشعابی داشته باشند (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰۱۲: ۹ ژوئیه). عریض کردن نهر جَریکه، حفر چهار نهر دیگر و نصب واترپمپ (نورانی، ۲۰۱۱: ۱۲ ژوئن)، احداث چاه‌نیمه‌های زابل و خط لوله انتقال آب به شهر زاهدان، از موارد اعتراضی افغانستان بوده است (مصاحبه با یکی از مقامات وزارت خارجه افغانستان). البته گاه بنا به اظهارات برخی مسئولین ایرانی، پاره‌ای اقدامات در داخل ایران نیز موجب کاهش و یا قطع آب شده است؛ از جمله، برخی گزارش‌ها حاکی از این است که با اجرای طرح انسداد مرز در سال‌های گذشته، صلاح بر این دیده شده است تا با ایجاد موانعی در بستر خشک دریاچه، از تردد قاچاقچیان جلوگیری شود که حاصل این صلاح‌حدها ایجاد ۷۰ کیلومتر خاکریز در بستر دریاچه بوده است. خاکریز ایجادشده در بستر دریاچه هامون در سال‌های اخیر موجب شده تا آب در پشت خاکریز و در واقع در خاک افغانستان بماند و وارد محدوده ایران نشود. نظر مخالفی هم وجود دارد: اگر ایجاد خاکریز سودی به حال ما می‌داشت، مطمئناً افغان‌ها و حتی مخالفان بین‌المللی ما به بهانه‌های واهی و هشدارهای زیست‌محیطی به شدت از ما انتقاد می‌کردند که دریاچه هامون را به خطر انداخته‌ایم (افسری و هرمزی، ۱۳۹۲: ۴ دی).

اشکالات قوانین بین‌المللی آب: بهره‌برداری از منابع آبی مشترک مهم‌ترین مسئله‌ای است که هنوز به وسیله پیمان یا قانون الزام‌آور بین‌المللی مدیریت نمی‌شود. فقدان تعریفی جامع و مورد توافق در خصوص «حقوق بین‌المللی آب»، از عوامل مهم ناموفق بودن مذاکرات و معاهدات آبی است. هرچند تلاش‌های زیادی در خصوص تدوین و تصویب قوانین بین‌المللی آب صورت گرفته است، اما این قوانین هنوز کامل و جامع نیستند. گرچه شاخص‌های متعددی در خصوص بهره‌برداری منصفانه و معقولانه از منابع آب مشترک ارائه شده است، اما نبود شاخص کمی مناسب برای ارزیابی این معیارهای کیفی، از دیگر مشکلات موجود است. همچنین بسیاری از این معاهدات، در مرحله اجرا ناپایدار بوده و با

مشکلات متعدد روبرو می‌شوند. افزون بر این، به دلیل منافع کشورها و ارتباط مستقیم مسائل آبی با مسائل و چالش‌های سیاسی و امنیتی، هنوز بسیاری از کشورها حاضر به پذیرش و پایبندی به این قوانین نیستند (میان‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۹۱ و ۱۹۲). در چنین وضعیتی، طبیعی است که کشورها به انحاء مختلف سعی دارند سهم بیشتری از آب‌های مشترک دریافت نمایند و همواره محتمل است که مناقشات آبی میان کشورها به وجود آید و یا ادامه یابد.

فقدان موافقت‌نامه رسمی دال بر توافق دو کشور بر سر تعیین مرز مجدد: ویژگی انشعابی بودن الگوی شریانی بستر رودخانه و چندشاخه بودن آن، تعیین مرز را با مشکلات جدی روبرو می‌کرده است. به‌عنوان مثال در پی رأی داوری مرز سیستان از سوی گلداسمیت در سال ۱۸۷۲، کشمکش‌های بیشتری میان ایران و افغانستان در بخش سیستانی مرزهای دو کشور بروز کرد. تکرار کشمکش‌های ناشی از تغییر مجرای هیرمند، در منطقه دلتا با سیل‌های عظیم و غیرمعمول سال ۱۸۸۴، آغاز و با سیل مشابه دیگری تکمیل شد. هیرمند در سال ۱۸۹۶، در جهت مجرای بزرگ تازه‌ای طغیان کرد که بعدها آن را رود پریان نامیدند. افغانستان معتقد بود که مرز نیز باید در پی جریان اصلی تغییر یافته رود قرار گیرد. ایران این ادعا را مردود می‌دانست و اصرار داشت که مرز باید در طول همان بستر قدیمی رود، یعنی مجرای تعیین‌شده از سوی گلداسمیت باقی بماند و تغییر جریان رود نمی‌تواند دلیلی برای تغییر مرز باشد. این تنش‌ها سرانجام باعث شد که دوباره حکمیت انگلیس شکل بگیرد که آن هم به اختلافات دو کشور دامن زد. این مورد در آینده نیز می‌تواند یکی از علل اختلاف باشد. پس می‌بایست توافق دوجانبه‌ای وجود داشته باشد تا در صورت تغییر مسیر رودخانه هر دو کشور ملزم شوند مرز را دوباره ساماندهی نموده و سر جای اصلی خود قرار دهند (بدیعی ارنده‌ای، هرآبادی و گودرزی مهر، ۱۳۹۰: ۲۱۵)، ولی چون هیچ قراردادی در این زمینه وجود ندارد، تغییر مسیر رود باعث به‌وجود آمدن نزاع‌های جدید شده است.

نقش استعماردر برجا گذاشتن زمینه‌های اختلاف: ایران و افغانستان از کشورهای هستند که سال‌ها تحت سلطه و نفوذ استعمار قرار داشتند و خطوط



مرزی مشترک آن‌ها نیز توسط انگلیسی‌ها و با صلاحدید آنها ترسیم شد (فتوحی، ۱۳۸۳: ۲۳). پس از جدایی افغانستان و ایران، دو کشور براساس معاهده پاریس، می‌بایست اختلافات خود را به انگلستان ارجاع می‌دادند و انگلستان نیز از این فرصت استفاده لازم را در جهت دستیابی به منافع خود به عمل آورد. آنچه در شکل‌گیری مرز ایران و افغانستان و داوری‌های مربوط به آن بر روی رود هیرمند اهمیت دارد، این است که به‌طور آگاهانه بخش‌هایی از تغییرپذیرترین بخش بستر هیرمند در پایین دست رودخانه به‌عنوان مرز مشترک دو کشور انتخاب شد. پیامد چنین خط مرز تحمیلی، نتیجه‌ای جز بروز اختلاف‌های مرزی میان ایران و افغانستان دربرنداشته است (بدیعی ارنده‌ای، هرآبادی و گودرزی مهر، ۱۳۹۰: ۲۰۶ و ۲۰۷). گلداسمید، هدف از مأموریت‌های خویش را چنین بیان می‌کند: «اگرچه این دو مأموریت در عمل جداگانه بوده‌اند و از نظر سیاسی و جغرافیایی دو مسئله جداگانه فرض شده‌اند، ولی هیچ شخص مآل‌اندیشی آنها را جدا از هم تصور نمی‌کند؛ بلکه هر دوی آنها را امری واحد می‌داند که عبارت از حفظ امنیت و آرامش در سرحدات هندوستان ماست... در تعیین حدود سرحدی ماورای سرحدات هندوستان خودمان، به‌واسطه مساعدت و همراهی با همسایگان خود، ما احوال و اوضاع خودمان را تقویت کرده‌ایم» (احمدی، ۱۳۸۳: ۵۱).

بدبینی و عدم اعتماد تاریخی طرفین نسبت به یکدیگر: گراهام فولر در کتاب قبله عالم می‌نویسد: «درواقع مسئله آب هیرمند هرچند رسماً میان شاه و افغانستان حل شده است، اما در صورتی که نیازهای آبی دو کشور تغییرکنند، از الگوهای بهره‌گیری از آب سوءاستفاده شود و یا یکی از دو کشور صرفاً دنبال بهانه‌ای برای جنگ باشد، می‌تواند بار دیگر به‌عنوان یک کانون درگیری ظهور کند. این مسئله همواره برای هر دو طرف محتوایی عاطفی داشته است» (فولر، ۱۳۷۳: ۲۵۸). ازسویی افغان‌ها با نوعی تردید به اظهارات و نگرانی ایران می‌نگرند و از دیگر سو ایران نیز معتقد است افغانستان عامدانه باعث کاهش سهمیه آب ایران می‌شود و دلایلی که در ارتباط با این موضوع مطرح می‌نماید، بهانه‌هایی بیش نیست. از جمله امین‌زاده، معاون حقوقی رئیس‌جمهور ایران، در این رابطه عنوان نموده



است: «در حالی که نیاز آبی سیستان و بلوچستان افزون بر دو میلیارد متر مکعب است، در توافق‌نامه سال ۱۳۵۱، میزان حقابه هیرمند برای ایران ۸۲۰ میلیون متر مکعب در سال در نظر گرفته شده، ولی کشور همسایه این حقابه را اعمال نکرده است. عدم توجه و احترام به این حقابه، معضلات اقتصادی، بهداشتی و زیست‌محیطی همچون خشکسالی، بیکاری و ریزگردها را به دنبال داشته و به زندگی مردم سیستان و بلوچستان آسیب زیادی وارد کرده است. افغانستان در سال‌های اخیر با ایجاد سد در مسیر رودخانه و همچنین با حفر کانال‌های غیرمجاز و انحراف آب از مسیر واقعی خود، سبب شده تا تالاب بین‌المللی هامون بخشکد و بیش از ۷۰ هزار بهره‌بردار بخش کشاورزی و سه‌هزار صیاد سیستان بیکار شوند» (فرتوت عنایت، ۱۳۹۳: ۱۱ اسفند).

عوامل طبیعی: خشکسالی‌های دهه‌های گذشته در منطقه باعث کاهش شدید میزان آب هلمند شده و دریافتی آب ایران نیز به تبع آن کاهش داشته که این عامل سبب اختلافات و اعتراضات مردم محلی و مقامات و مسئولین شده است. همچنین خشکسالی در هر دو کشور سبب اقداماتی شده و یا شرایطی را به وجود آورده که اختلاف‌انگیز شده است. در ایران، خشکسالی‌های متواتر در دهه چهل و خشک شدن دریای هلمند، دولت را برآن داشت تا با استفاده از مشاوره‌های تخصصی ژاپنی‌ها برای کاستن از دامنه زیان‌های ناشی از شرایط اقلیمی و استفاده مناسب از آب هلمند، این آب را در گودال‌های مصنوعی که در ایران تحت عنوان چاه‌نیمه‌های زابل معروف است، در نزدیک مرز با افغانستان هدایت و ذخیره‌سازی نماید. طرح احداث خط لوله ۱۹۲ کیلومتری (آب برای زاهدان)، از پروژه‌های مهم دیگری بود که جهت انتقال آب ذخیره‌شده از هلمند در چاه‌نیمه‌ها به شهر زاهدان در سال ۱۳۸۳ به بهره‌برداری رسید که از موارد اختلافی بین دو کشور بوده‌اند (سایت farda.org، سیستانی: ۵). در سال ۱۳۸۷، سخنگوی وزارت خارجه ایران اظهار داشت: «دولت افغانستان آب هیرمند را از هفت ماه به این سو به روی ایران قطع کرده است.» اما مقامات وزارت خارجه افغانستان در جواب بیان کردند: «آب رودخانه هیرمند به دلیل خشکسالی در این کشور به شدت کاهش یافته است و دلیل



دیگری در کار نیست. درحالیکه مردم در ولایت نیمروز افغانستان در حال حاضر با خشکسالی و کمبود شدید آب مواجهند، چگونه می‌توان در مورد جریان آب این رودخانه به ایران سخن گفت. ما اخیراً در یک یادداشت رسمی به جانب ایران رسماً خاطر نشان کردیم که چاه‌هایی را که برای ذخیره‌کردن آب در داخل مرز ایران حفر کرده‌اند، خلاف توافقات است و این، مشکل ایجاد می‌کند» (سایت بی‌بی‌سی فارسی: ۲۰۰۹/۱). ضیایی، معاون انرژی و آب افغانستان در این باره اعلام کرد که در سال‌های جنگ، پروژه‌های افغانستان برای بهره‌برداری از آب هیرمند متوقف بود و اکثر آب این رودخانه به ایران سرازیر می‌شد، اما در سال‌های اخیر از یک طرف خشکسالی‌های پی‌هم، آب رودخانه را در مجموع کم کرده و از سوی دیگر افغانستان در حال فعال‌کردن سیستم آبیاری خود از آب هیرمند است» (سایت بی‌بی‌سی فارسی: ۲۰۱۱/۴). برخی کارشناسان در افغانستان نیز با توجه به کم‌آبی‌ها و خشکسالی‌های متواتر، لزوم تجدیدنظر در توافق‌نامه را مطرح می‌کنند (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۶ آذر). اما نظر برخی مسئولین ایرانی این است که این قبیل اظهارات، بهانه‌ای بیش نیست. چنانکه حمید قزوینی، مدیرعامل شرکت آب در سیستان و بلوچستان ایران گفته است که براساس معاهده سال ۱۳۵۱، افغانستان باید به ایران سالانه ۸۲۰ میلیون متر مکعب آب بدهد؛ ولی افغانستان به بهانه خشکسالی از حق ایران چشم می‌پوشد (صدیقی، ۲۰۱۱: ۷ سپتامبر).

۴. پیامدهای گوناگون تداوم اختلافات

بهره‌برداری سیاسی دو دولت از موضوع دعوا: در صورت حل‌نشدن موضوع آب میان دو کشور، مسئله می‌تواند به عرصه‌های سیاسی کشیده شده و دو طرف برای رسیدن به منافع خود، آن را ابزار دست خویش قرار دهند. درحالی‌که ایران از راه‌های قانونی دستیابی به منافع آبی خود را پی می‌گیرد، شیوه‌های دیگری را نیز دنبال می‌کند. ایران از یک‌سو پیشنهاد همکاری‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به افغانستان را در دستورکار دارد و سعی می‌کند تا رابطه دوجانبه عمیقی میان تهران-کابل برقرار کند و از سوی دیگر، این گزینه را هم در اختیار دارد که کابل را در رابطه با پناهندگان افغان تحت فشار بگذارد (Han-woo, 2011: 130) که می‌تواند



ابزاری برای رسیدن به منافع آبی باشد. مناقشه آبی حل نشده بین دو کشور می‌تواند بر روابط اقتصادی نیز اثر بگذارد. یک مقام ارشد افغانی گفته است که ایران می‌خواهد از طریق بندرعباس به ما کمک کند، اما شروطی برای آن دارد. برای مثال مسئله‌ای که در عوض کمک، خواستار حل آن است، آب‌هایی است که از افغانستان به سمت ایران جاری می‌شود (Nader, G.scotten, Rahmani, Stewart and Mahnad, 2014: 18-21). بالعکس، افغانستان نیز می‌تواند با در اختیار داشتن آب هیرمند و قرار گرفتن در بالادست و دارابودن برتری هیدروپلیتیک، منافع سیاسی خود را پی‌گیری نماید. همان‌گونه که در زمان طالبان، تضاد در دیدگاه‌های سیاسی گروه‌های حاکم در دو کشور، زمینه را برای قطع کامل آب هیرمند و تحت فشار قراردادن ایران از سوی گروه طالبان فراهم نمود و برای اولین بار جریان آب هیرمند با بستن دریچه سدهای مخزنی ارغنداب و کجکی بر روی ایران بسته شد. تشدید کم‌آبی در سیستان ایران، دولت ایران را برآن داشت تا دست به اقداماتی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بزند. نماینده دائمی ایران در سازمان ملل نیز طی نامه‌ای در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ به دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد که دولت افغانستان با بستن دریچه‌های سد کجکی، مانع جریان آب هیرمند به سوی ایران شده است (حافظ‌نیا، مجتهدزاده و علیزاده، ۱۳۸۵: ۱۹).

پیامدهای زیست‌محیطی: کارشناسان بر این باورند که در صورت نابودی تالاب هامون، حیات مردم منطقه به خطر می‌افتد. این دریاچه نقش بسیار مهمی در خنک‌کردن آب‌وهوای منطقه در زمان وزش بادهای ۱۲۰ روزه دارد و با خشک‌شدن آن حجم زیادی از رسوبات به همراه باد به حرکت درآمده و موجب افزایش گرد و غبار و آلودگی هوا می‌شود. نیزارهای هامون که زمانی زیستگاه ده‌ها هزار پرند مهاجر از سایر نقاط به این منطقه بوده اینک خشک شده است. دریاچه هامون منطقه کوچ ۱۷۰۰ پرند بود که از سیبری و سایر نقاط جهان به آنجا کوچ و سپس به مهاجرت خود ادامه می‌دادند. هامون دارای انواعی از ماهی‌های نیزار بوده که به نفع گاو سیستانی نیزارها را می‌خورد تا باعث نابودی گاوها نشوند (امامی، ۱۳۸۱: ۱۰۴). در حال حاضر بستر خشکیده دریاچه هامون تحت‌تأثیر

حرکت باد به منبعی برای گرد و غبار و حرکت ذرات سیلت و ماسه تبدیل شده که به علت نبود هیچ عارضه طبیعی خاص در بستر این دریاچه ذرات فرسایش یافته به سادگی جابجا شده که پس از رسیدن به راه‌های مواصلاتی، تأسیسات زیربنایی و سکونت‌گاه‌های انسانی رسوب می‌نماید (رئوفی و قنبری، ۱۳۹۱: ۲۶ خرداد).

پیامدهای اجتماعی: مهم‌ترین پیامد خشکسالی، تشدید پدیده بیابان‌زایی است. مهم‌ترین اثرات این وضعیت و طوفان‌های گرد و غبار بر منطقه عبارتند از: مدفون شدن روستاها و اماکن در زیر توده‌های ماسه، کوچ اهالی به شهرها و حومه آن و معضلات اقتصادی و اجتماعی، افزایش تراکم شهری، از بین رفتن فرصت‌های شغلی، فقر، افزایش فعالیت‌های غیرقانونی از جمله قاچاق سوخت، تردد از بستر خشک دریاچه و به تبع آن تخریب و فرسایش بیشتر (نوری، ۱۳۹۳: ۲۲ اسفند). در نتیجه خشک شدن هامون و قطع جریان آب هیرمند، نه تنها شکارچیان، بلکه صیادان سیستانی نیز با خشک شدن تالاب‌ها شغل خود را از دست داده و برخی از آنان به نقاط دیگر کشور مهاجرت کرده‌اند. کم‌شدن یا از دست دادن درآمدهایی که از راه کشاورزی، باغداری، دامداری، ماهیگیری، شکار و صنایع دستی به دست می‌آمده است، به معنای روی آوردن بخشی از ساکنان منطقه به فعالیت‌های دیگری چون قاچاق کالا، سوخت و مواد مخدر است (اطاعت و ورزش، ۱۳۹۱: ۲۰۸).

پیامدهای امنیتی: در این رابطه اعتقاد بر این است که دو کشور با برگزاری نشست‌های سالانه کمیته مشترک کمیساران آب هلمند، تلاش کرده‌اند که از امنیتی شدن موضوع جلوگیری و همه مسایل را با مذاکره حل کنند. در این زمینه، گاه‌گاه مشکلاتی در ارتباط با هلمند رخ می‌دهد که از طریق کمیساران مشترک همکاری‌های امنیتی و مرزی در سطح کمیسار درجه یک ولایتی در بخش امنیتی حل و فصل می‌شود. می‌توان گفت بحث امنیتی شدن موضوع درباره رود هریرود بیشتر مطرح است تا رود هلمند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رودخانه مرزی هیرمند، از منظری تاریخی، زاینده اختلافات مرزی، حقوقی و سیاسی میان دو کشور ایران و افغانستان شده است. آنچه که باعث ظهور و دوام اختلافات بر سر بهره‌برداری از رود هیرمند شده، مجموعه‌ای از عوامل جغرافیایی و انسانی و شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای است. خلأهای موجود در قوانین بین‌المللی در زمینه بهره‌برداری از آب‌های مشترک، رقابت‌های از گذشته برجامانده استعماری و برجای گذاشتن بهانه‌هایی برای نفوذ و اعمال نظر، عوامل طبیعی مانند خشکسالی و جابجایی مجرای اصلی رود، بخشی از دلایلی هستند که تاکنون در ادامه‌دار شدن این وضعیت سهیم بوده‌اند. اما سه وضعیت نوپیدا، سبب شده است اختلاف تاریخی شده هیرمند، اکنون از جنس و ماهیتی دیگر برخوردار شود و آرام‌آرام یک موضوع اختلاف‌انگیز حقوقی را به یکی از چند کانون بحران‌زا در روابط دو کشور ایران و افغانستان تبدیل نماید. یکی، خواسته‌های دولت افغانستان است برای توسعه و پیشرفت پس از مدت‌ها جنگ و تخریب؛ دو دیگر، کوشش دولت ایران است برای جبران پس ماندگی داخلی سیستان و بلوچستان در نسبت با دیگر مناطق برخوردار کشور؛ و سوم، بحران فراگیر آب است که امروزه به یک موضوع بحران‌زای کمابیش حاد بین‌المللی تبدیل شده است. گرچه اغلب دلایل و ریشه‌های اختلاف میان دو کشور، به مواردی برمی‌گردد که خارج از حیطه اختیار و قدرت و توان طرفین برای برطرف‌نمودن آنها است و شرایط بین‌المللی و محیطی در این زمینه نقش‌آفرینی قابل توجهی داشته‌اند، اما این به‌معنای دست‌بسته بودن و تسلیم شرایط شدن بازیگران اصلی یا دو دولت نخواهد بود. برخی اقدامات می‌توانند از شدت اختلافات و بغرنج‌شدن موضوع بکاهند: در صورت توافق طرفین، برگزاری نشست‌هایی با مشارکت کارشناسان آب و مسئولین ذیربط از دو کشور و بررسی دقیق عوامل نارضایتی و بروز تنش و رسیدگی به آنها؛ لزوم توجه طرفین به جمع‌آوری، مدیریت و هدایت سیلاب‌ها و استفاده بهینه از آنها، با وجود قراردادن حوضه هیرمند در منطقه‌ای خشک و وقوع سیلاب‌های فصلی؛ جلوگیری از هدر رفتن آب در شبکه و همکاری دو کشور در بازسازی سدهای



مخزنی برای کاستن از اتلاف آب به اطراف؛ احیا و بازسازی ایستگاه‌های آب‌سنجی در داخل افغانستان و تسریع طرح مدرنیزاسیون علایم مرزی به‌منظور تثبیت موقعیت ستون‌های ۵۱ و ۵۲ مرزی (تثبیت ستون‌های مذکور زمینه عملیاتی‌شدن بند ۳ معاهده را مساعد ساخته و باعث خواهد شد ایران صرفاً از سه نقطه حقایق خود را برداشت نماید و در نتیجه از سوء تفاهات مبنی بر اضافه برداشت ایران از آب هیرمند جلوگیری شود)؛ تلاش در جهت مدیریت مستمر جریان آب به پایین دست رود هلمند که مقامات دولت افغانستان در این رابطه می‌توانند نقشی مهم ایفا نمایند؛ و غیرقابل انکار است که حل و فصل مسالمت‌آمیز موضوع به سود دو ملت خواهد بود، بنابراین مسئولین دو دولت می‌بایست از هرگونه اظهار نظر و واکنش‌های تحریک‌آمیز و تنش‌آفرین خودداری نمایند.

منابع

الف) فارسی

- احمدی، سیدعباس. ۱۳۸۳. «بررسی هیدروپلیتیک هیرمند»، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۶۷، بهار، صص: ۴۸-۵۴.
- ارندهی، مرجان؛ رحیمی هرآبادی، سعید؛ گودرزی مهر، سعید. ۱۳۹۰. «نقش تغییرات مورفولوژی رودخانه مرزی هیرمند در روابط سیاسی ایران و افغانستان»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، زمستان، صص: ۱۹۷-۲۲۰.
- اطاعت، جواد؛ ورزش، اسماعیل. ۱۳۹۱. «هیدروپلیتیک هیرمند: دلایل، آثار و پیامدها»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، تابستان، صص: ۱۹۳-۲۱۲.
- امامی، منوچهر. ۱۳۸۱. «رودخانه مرزی هیرمند و اثرات امنیتی آن»، مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۱۳ و ۱۴، تابستان و پاییز، صص: ۷۱-۱۱۰.
- بختانی خدمتگار، عبدالرحیم. ۱۳۹۰. آب‌های جاری افغانستان و منابع آن، کابل: مرکز مطالعات منطقه‌ای افغانستان، نشر آکادمی علوم.
- بلدسو، رابرت. ۱۳۷۵. فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه بهمن آقایی، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ جلالی، عباس. ۱۳۷۴. «هیرمند، هیلمند، هلمند رود»، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۷، تابستان، صص: ۱۰۹-۱۲۰.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ وثوقی، فاطمه. ۱۳۹۰. نگاهی به دیپلماسی آب ایران، هیدروپلیتیک، مشهد: پاپلی.
- جعفری، عباس. ۱۳۷۹. گیتاشناسی ایران (جلد دوم)، تهران: گیتاشناسی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ مجتهدزاده، پیروز؛ علیزاده، جعفر. ۱۳۸۵. «هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان»، مدرس علوم انسانی، شماره ۴۵، تابستان، صص: ۳۱-۵۸.
- زرقانی، سیدهادی. ۱۳۸۶. مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- سالور، عباس. ۱۳۸۱. «رود هیرمند و اختلاف حقیقه»، تاریخ معاصر ایران، شماره ۲۱ و



- ۲۲، بهار و تابستان، صص: ۵۷۵-۵۸۵.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا. ۱۳۸۶. *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- عزت‌سی، عزت‌الله؛ خضری، محمدحسن؛ نیک‌فرجام، محبوبه. ۱۳۹۰. «تحلیلی بر هیدروپلیتیک شرق ایران»، *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال ۴، شماره ۱۳، زمستان، صص: ۹۵-۱۱۴.
- فخاری، غلامرضا. ۱۳۷۱. اختلافات دولتی ایران و افغانستان در مورد رود هیرمند، تهران: وزارت امور خارجه.
- فتحی، محمد. ۱۳۸۳. «تهران کابل و آب هیرمند»، گزارش، شماره ۱۶، اسفند، صص: ۲۲-۲۵.
- فغانی، حجت‌الله. ۱۳۷۹. *ابعاد سیاسی امنیتی بحران آب در خاورمیانه عربی*، تهران: وزارت امور خارجه.
- فولر، گراهام. ۱۳۷۳. *قبله عالم*، ترجمه عباس مخیر، تهران: نشر مرکز.
- کاویانی‌راد، مراد. ۱۳۸۴. «مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان»، *مطالعات راهبردی*، شماره ۲۸، تابستان، صص: ۳۳۷-۳۵۸.
- کک‌دین، نگوین؛ دیبیه، پاتریک؛ پله، آلن. ۱۳۸۲. *حقوق بین‌الملل عمومی*، ترجمه حسن حبیبی، تهران: اطلاعات.
- مجتهدزاده، پیروز. ۱۳۷۴. «هیرمند و هامون در چشم‌انداز هیدروپلیتیک خاور ایران»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۰۱ و ۱۰۲، بهمن و اسفند، صص: ۳۳-۳۸.
- مکرری و دیگران. ۱۳۸۰. *هیرمند، بزرگترین رودخانه فلات ایران*، زابل: دانشگاه زابل.
- موسوی، سیدفضل‌الله. ۱۳۸۸. *حقوق رودخانه‌های بین‌المللی*، تهران: دادگستر.
- موسی‌زاده، رضا. ۱۳۸۰. *بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: نشر میزان.
- میان‌آبادی، حجت. ۱۳۹۲. «ملاحظات سیاسی و امنیتی و حقوقی در مدیریت رودخانه‌های مرزی»، *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره ۱، شماره ۹، صص: ۱۶۷ تا ۱۹۹.
- نامی، محمدحسن؛ محمدپور، علی. ۱۳۹۰. *جغرافیای سیاسی آب‌های مرزی ایران*، تهران: سپهر.
- وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان (۱۳۵۲)، *سوابق و اسناد موضوع آب از رود هلمند*، کابل: نشریه اداره ارتباط عامه.
- ولایتی، سعدالله. ۱۳۸۳. *جغرافیای آب‌ها*، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- مصاحبه الکترونیکی با یک مقام آگاه در وزارت امور خارجه افغانستان (۱۳۹۳/۹/۲).

(ب) انگلیسی

Aman, fateme; slavin, Barbara. 2013. "Iran, Afghanistan and south Asia: resolving regional sources of instability", **Atlantic council**, available at: <http://www.atlanticcouncil.org/.../iran-afghanistan-and-south-asia>

resolving-re

- Appendix to the transboundary water policy of Afghanistan: "transboundary water issues ", 26 April 2007 available at: <http://gfipps.tamu.edu/Afghanistan/Transboundary%20Water%20Issues26-04>
- "Coping with water scarcity, challeng of the twenty first century", **World Water Day 2007**, available at: <http://www.fao.org/nr/water/.../escarcity.pdf>
- Giordano, Meredith A. 2003. "Managing the quality of international rivers: global principles and basin practice", **Natural Resources Journal**, vol 43, pp 111-136.
- Wolf, Aaron T. 1998. "conflict and cooperation along internationalwater ways", *Water Policy* 1, June, pp 251-265.
- Gleick, peter H, Heberger, Matthew. 2011." water and conflict, events, trends and analysis", **the World's Water**, vol 8, pp 159-171.
- Gleick, peter H. 1992. "water and conflict, fresh water, resourses and international security", **International Security**, vol. 18, No. 1, summer, pp 79-112.
- Han-woo, choi. 2011. "impact of helmand water dispute on the bilateral relations between iran and Afghanistan; an evaluation", **International journal of central Asian studies**, international Islamic university Chittagong, Bangladesh, vol 15, pp 113-141.
- Ettehad, elnaz. 2010. "Hydropolitics in Hirmand/Helmand International River Basin" , Uppsala, Sweden.
- Population institute," population and water", july 2010, available at: http://www.populationinstitute.org/extenal/files/.../water_and_populati on.pdf
- UNEP Post-Conflict Branch, May 2006, History of invironmental change in the sistan basin based on satellite image analysis 1976-2005, available at: postconflict.unep.ch/.../sistan.pd
- Smith, Dan. 2007. "water, peace andsecurity, the world water crisis: reshaping the futureof foreign policy"available at: <http://mercury.ethz.ch/serviceengine/Files/ISN/117063/...080b.../02>, p26
- Mianabadi Hojjat; Mostert Eric; Van de Giesen. 2015. Trans-boundary River Basin Management: Factors Influencing the Success or Failure of International Agreements, at: **Conflict Resolution in Water**

Resources and Environmental Management, pp: 133-143

Nader, alireza. 2014. G.scotten, ali: rahmani, Ahmad idrees:stewart, Robert: mahnad, Leila, "*iran's influence in Afghanistan* "; implications for the us drawaown, national security research division, available at: <http://www.rand.org/research reports>

"Water and violent conflict" development assistance committee (DAC), OECD 2005, available at: http://www.eda.admin.ch/content/.../resource_en_92767.pdf

